

دستاورد های اخلاقی پیاده روی اربعین (با رویکردی بر اخلاق حسینی)

نویسنده: نجفی، حافظ

اربعین امام حسین علیه السلام یکی از فرازهای مهم تاریخ بعد از عاشورا است که به نقطه عطفی در تاریخ اسلام و تشیع تبدیل شد. بر اساس روایتی از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام (مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۳؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۱۰۰)، بزرگ داشت روز اربعین و زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در آن روز، یکی از پنج علامت مؤمن است. ارادتمندان حضرت امام حسین علیه السلام بر همین اساس و بنا به دستورالعملی که امام صادق علیه السلام به صفوان جمّال تعلیم داد (طوسی، ۱۴۱۱ ق، ص ۷۸۸-۷۸۹)، همواره به زیارت آن حضرت در این روز مبادرت می کردند.

این سیره مستمر شیعه از زمان ائمه اطهار: تاکنون ادامه داشته و چند سالی است که ابعاد تازه ای به خود گرفته است؛ به طوری که شیعیان و دوستداران اهل بیت: از سراسر جهان، به ویژه عراق و ایران در مراسم باشکوه و معنوی اربعین شرکت می کنند و بزرگ ترین همایش مردمی را با محوریت فرهنگ اهل بیت: تشکیل می دهند. مسلماً چنین مراسم ساده ولی با عظمتی، از جنبه های گوناگون اعتقادی، اجتماعی، سیاسی و... آثار و برکات فراوانی را به همراه دارد و فرصت های ارزشمندی را در اختیار ما قرار می دهد. از جمله دستاوردهای اربعین، تأثیر بسیار شگرف آن در اخلاق فردی و اجتماعی شرکت کنندگان است؛ چراکه رسول خدا و خاندان مطهر ایشان، سرچشمه همه فضیلت هاینند و در قله های اخلاق و معنویت قرار دارند.

بر اساس تصریح چند آیه از قرآن کریم، هدف از بعثت رسول خدا ۹۱ تعلیم و تربیت انسان بوده است (بقره، ۱۲۹؛ آل عمران، ۱۶۴؛ جمعه، ۲).

امیر مؤمنان، علی علیه السلام در تشریح دستاوردهای بعثت پیامبر اکرم (ص) فرمود:

فَهَدَاهُمْ بِهٖ مِنَ الضَّلَالَةِ وَأَنْقَذَهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ... (شریف رضی، ۱۳۶۹ ش، خطبه ۱).

خداوند به دست پیامبرش مردم را از گمراهی به سوی هدایت رهنمون شد و با نقش آفرینی پیامبر، مردم را از نابخردی رهایی بخشید.

امام حسین علیه السلام، در طول دوران زندگی پرافتخار خود، به ویژه در قیام کربلا، همان اهداف پیامبر اکرم (ص) را دنبال کرد. او که در مکتب تربیتی پیامبر اسلام بزرگ شده و صاحب امتیاز «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۲۶۱) است، از آغاز قیام خود با سخنرانی ها و نامه هایش همه مردم را به ارزش های اخلاقی و انسانی دعوت کرد. سرانجام، آن بزرگوار به منظور هدایت مردم و ایجاد تغییر در اوضاع عمومی جامعه، خود و همه عزیزانش را قربانی راه خداوند کرد. در زیارت اربعین آن حضرت آمده است:

فَأَعْدَرَ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ النُّصْحَ وَ بَدَّلَ مَهْجَتَهُ فَبِكَ لَا يَسْتَنْقِذُ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةَ الضَّلَالَةِ... (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۱۱۳).

آن حضرت [با اتمام حجت بر مردم]، هر عذری را از امت برداشت و اندرز و نصیحت آنان را با مهربانی انجام داد و خون پاکش را در راه تو [ای خدا] نثار کرد تا بندگان را از جهالت و حیرت و گمراهی نجات دهد.

به جهت ذو ابعاد بودن شخصیت امام حسین علیه السلام و تأثیرگذاری عمیق نهضت سیدالشهدا در تاریخ اسلام، تاکنون پژوهش‌های بسیاری در این زمینه‌ها صورت گرفته و نهضت پرافتخار کربلا و ادبیات حسینی، جلوه بسیار پررنگی در ادبیات جهان اسلام، بلکه پیروان ادیان دیگر داشته است؛ چراکه حسین بن علی (ع) در طول عمر ۵۷ ساله خود، فراز و فرودهای زیادی را پشت سر گذاشت و ابعاد زندگی آن حضرت از جنبه‌های مختلف فردی، خانوادگی، سیاسی و اجتماعی، الهام بخش همه آزادگان جهان بوده است. شعاعی از این تأثیرگذاری را هر سال در حضور دوستداران حسین بن علی (ع) و آزادگان جهان (از سراسر دنیا و از ملیت‌ها و مذاهب مختلف) در راهپیمایی باشکوه اربعین شاهد هستیم. یکی از ابعاد وجودی حضرت ابا عبدالله، سیره اخلاقی ایشان و تأثیر آن در زندگی فردی و اجتماعی شیعیان، بلکه همه دوست‌داران آن امام شهید است. در این مقاله ابتدا نگاهی اجمالی به سیره اخلاقی آن حضرت می‌افکنیم و سپس برخی از دستاوردهای اخلاقی پیاده روی و زیارت اربعین را بررسی می‌کنیم.

نگاهی به سیره اخلاقی امام حسین علیه السلام

در این قسمت به برخی از فضایل اخلاقی حضرت ابا عبدالله علیه السلام اشاره ای گذار می‌کنیم تا الگویی برای همه پیروان آن حضرت به ویژه زائران ایشان باشد.

۱. گذشت فوق العاده

پیامبر اسلام ۹ و اهل بیت؛ اسوه‌های اخلاق و فضیلت بودند و یکی از صفات بارز آن بزرگواران گذشت و فداکاری برای امت بود. تاریخ، جلوه‌های زیبایی از ایثار را در سیره اهل بیت عصمت و طهارت: ثبت کرده است که در آیات و روایات بسیاری به آنها تصریح شده است؛ از جمله سوره مبارکه (هل اتی) که درباره انفاق و گذشت فوق العاده خاندان عصمت: نازل گردیده است.

زندگی حضرت امام حسین علیه السلام نیز که در چنین خانواده‌ای پا به عرصه حیات اجتماعی گذاشته، سرشار از گذشت و ایثار است. آن حضرت برای حفظ دین خدا، هدایت مردم و اصلاح امور جامعه، جان شریف خود و همه عزیزانش را تقدیم راه خدا کرد و چه ایثاری بالاتر از بذل جان؟ علاوه بر آن، در زندگی عادی آن بزرگوار نیز نمونه‌های بسیاری از گذشت وجود دارد.

نقل شده است یکی از غلامان، خطایی کرد که باید تنبیه می‌شد، امام حسین علیه السلام نیز دستور داد تا او را تنبیه کنند. اما آن غلام، قسمتی از آیه ۱۳۴ آل عمران را خواند: **(وَ الْكَافِرِينَ الْأَعْيُنَ)**؛ یعنی مؤمنین، فرورنده خشم خود هستند. امام حسین علیه السلام فرمود: «او را رها کنید». غلام سپس ادامه آیه را خواند که **(وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ)**؛ یعنی از خطاهای مردم نیز می‌گذرند. امام حسین علیه السلام فرمود: «تو را عفو کردم». غلام باز ادامه آیه را خواند: **(وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)**؛ «خداوند، نیکوکاران را دوست دارد». امام حسین علیه السلام فرمود: «تو را در راه خدا آزاد کردم و دو برابر آنچه به تو عطا می‌کردم، عطا خواهم کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۱۹۵).

۲. سخاوت و بخشش

سخاوت و بخشندگی مالی نیز از صفات ممتاز مؤمنان در نظام اخلاقی اسلام است. اما سخاوت اهل بیت: از جمله امام حسین علیه السلام با نوعی بزرگ منشی و عظمت روحی همراه بوده است. به روایتی، امام حسین علیه السلام کنیزکی را به خاطر هدیه دادن یک شاخه گل آزاد کرد. وقتی علت را پرسیدند، فرمود:

خدا ما را این طور پرورش داده است؛ زیرا خداوند می فرماید: **(وَإِذَا حُبَيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا)** (...نساء: ۸۶)؛ هر گاه به شما درودی گفته شود؛ نیکوتر از آن را یا عین آن را در پاسخ بگویید. بهتر از این شاخه ریحان، آزاد کردن این کنیز بود» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۴، ص ۱۹۵).

همچنین نقل شده است: عبدالرحمان سلمی سوره مبارکه حمد را به یکی از کودکان امام حسین علیه السلام یاد داد. هنگامی که آن کودک سوره حمد را برای امام حسین علیه السلام خواند، آن حضرت مبلغ هزار اشرفی و هزار حله به عبدالرحمان عطا کرد و دهان او را از دَرّ پر کرد و فرمود: «این عطا در مقابل آن حمدی که وی به فرزند من تعلیم داد، ناچیز است» (همان، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۴، ص ۱۹۱).

۳. فریفته نشدن به جاذبه های دنیایی

دنیا با همه جاذبه هایش در نظر اولیای الهی گذرگاهی بیش نیست و مقام و منصب و دارایی های آن نیز تنها وسیله ای عاریتی است. بدین روی پیامبر ۹ و اهل بیت عصمت و طهارت: هرگز به دنیا دل نبستند و فریفته لذات و جاذبه های آن نشدند و همگان را نیز به پرهیز از آن سفارش کردند. آن بزرگواران همواره هشدار می دادند که اگر کسی از تعالیم قرآن و عترت و تربیت دینی محروم باشد، ممکن است در دام دنیاطلبی و مفسده های آن گرفتار شود. امام علی علیه السلام فرمود:

أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ تَمَنُّ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا) شریف رضی، ۱۳۶۹ ش، حکمت ۴۵۶.

آگاه باشید، انسان آزاده، لُمَاطه را به اهلش واگذار می کند. همانا بهشت، بهای جان های شماست خود را به کمتر از آن نفروشید.

در منطق حسین بن علی ۸، یکی از دلایل انحراف و گرفتاری های فرهنگی و اجتماعی مردم، دنیاپرستی و فریفته مال و منال دنیا شدن است. نقل شده است که وقتی امام حسین علیه السلام (براساس دعوت مردم) به سمت کوفه می رفت، فرزدق را دید که از کوفه باز می گشت. امام علیه السلام از وی پرسید: «کوفه چه خبر؟» فرزدق گفت: «قلب های مردم با تو، ولی شمشیرهای آنان با بنی امیه است». فرمود: «راست می گویی؛ زیرا:

النَّاسُ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لِعَقِّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَخُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَابِسُهُمْ فَإِذَا مُحْضُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۴، ص ۱۹۵)

مردم برده دنیایند و دین پیرایه ای بر زبانشان است. وقتی گرد دین می چرخند که دنیای آنان به وسیله دین تأمین شود. اما وقتی به وسیله ابتلا محک می خورند، دینداران اندک اند.

و لذا امام حسین علیه السلام مکرر می فرمود:

يا اهل لذة دنیا لا بقاء لها ان اغترارا بظلل زائل حمق (همان، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۴، ص ۱۹۳).

ای کسانی که اهل لذت دنیایی هستید، بدانید که آن ماندگار نیست. حقا که فریب خوردن از سایه ای که از بین می رود، حماقت است.

در بخش هایی از زیارت اربعین نیز مشخص شده است کسانی که امام و رهبر خود و نوه پیامبر و سرور جوانان بهشت را به طرزی بسیار فجیع و دلخراش کشتند، عبارت بودند از فریب خوردگان دنیا، آخرت فروشان، هواپرستان و پیروان حاکمان نفاق پیشه:

وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالنَّارِ ذَلِ الْأُدْتَى وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِي وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَ أَسْخَطَ نَبِيَّكَ وَ أَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۱۱۴).

و علیه حسین علیه السلام دست به دست هم دادند، کسانی که فریب دنیا را خوردند و بهره خود را به پست ترین قیمت فروختند و آخرت خویش را به بهایی بس ناچیز از دست دادند و با گردن فرازی، در چاه هوا و هوس سرنگون شدند و تو و پیامبرت را به خشم آوردند و [اینها همه بر اثر آن بود که] از حاکمان اختلاف افکن و نفاق انگیز، پیروی کردند.

پیام زیارت اربعین این است که جامعه باید مراقب باشد در بعد اخلاقی، عواملی چون دنیاطلبی و هواپرستی، و در بعد سیاسی، گرایش به رهبران غیر الهی و اطاعت از آنان، عامل سقوطشان نشود.

۴. کمک به دیگران و رفع گرفتاری از آنان

امام حسین علیه السلام مشکل گشای گرفتاران در اوضاع سخت زندگی بود. بر پایه روایت، آن حضرت از بس در شب های تاریک و به صورت ناشناس غذا و مایحتاج زندگی محرومان را به دوش حمل کرد، وقتی به شهادت رسید، بر پشت مبارکش آثار پینه مشاهده کردند. علتش را که از امام زین العابدین علیه السلام پرسیدند، فرمود: «این پینه ها اثر کیسه های غذایی است که پدرم شب ها به دوش می کشید و به خانه یتیمان و فقرا می رسانید» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۴، ص ۱۹۰). نقل شده است امام حسین علیه السلام نزد اسامه بن زید که مریض بود رفت. وقتی شنید که از بدهی سنگین ناله می کند، او را با پرداخت شصت هزار درهم آرام کرد (همان، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۴، ص ۱۸۹).

همچنین در تاریخ آمده است:

مردی اعرابی (بیابان نشین) نزد امام حسین علیه السلام آمد و گفت: «یا بن رسول الله، من ضامن یک دیه کامل شده ام و از پرداخت آن عاجزم. با خویشتن گفتم باید از کریم ترین مردم درخواست کنم و کریم تر از اهل بیت رسول خدا ۹ ندیده ام». امام حسین علیه السلام فرمود: «ای برادر عرب، من از تو سه موضوع را می پرسم، اگر یکی از آنها را پاسخ بگویی، یک سوم دیه ای را که گفتمی به تو عطا می کنم. اگر جواب دو موضوع را بگویی، دو قسمت آن دیه را به تو می دهم. اگر جواب هر سه را بگویی من تمام آن دیه را به تو می پردازم». وقتی اعرابی سه سؤال امام را جواب داد، امام دیه کامل را پرداخت کرد (همان، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۴، ص ۱۹۶).

۵. عزت طلبی و ذلت گریزی

کرنش در برابر دنیا و دنیاپرستان، انسان را خوار و ذلیل می گرداند. حضرت امام حسین علیه السلام که مجسمه همه فضیلت ها و تنها کسی بود که شایستگی رهبری امت اسلامی را داشت، پذیرش حکومت فردی مثل یزید را تن دادن به ذلت و گرویدن به زندگی حقیرانه تلقی می کرد. آن حضرت می فرمود:

ما از خاندان نبوت و رسالتیم؛ خاندانی که خانه آنها محل رفت و آمد فرشتگان است و خداوند به خاطر ما همه چیز را آغاز کرد و همه چیز را پایان می بخشد. اما یزید، مردی فاسق و شرابخوار و قاتل است و آشکارا جنایت و گناه می کند و مثل من با مثل او بیعت نخواهد کرد (ابن طاووس، بی تا، ص ۲۳).

بنابراین روش زندگی و مرام حسین بن علی ۸، حرکت در مسیر عزت و سربلندی است. آن حضرت در جواب قیس بن اشعث که گفت: «چرا به حکم فرزندان عمویت گردن نمی نهی؟ از آنها هیچ گونه بدی به تو نخواهد رسید»، فرمود:

لَا وَ اللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَلَا أَقْرُّ لَكُمْ إِقْرَارَ الْعَبِيدِ. (ابومخنف، ۱۴۱۷ق، ص ۲۰۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۷).

نه به خداوند، نه دستم را [برای بیعت] همانند ذلیلان در دستان شما خواهم گذاشت و نه مثل بندگان در برابر شما کرنش و اقرار می کنم.

۶. شاد کردن دیگران

روایات بسیاری در خصوص ادخال سرور در دل مؤمنان وجود دارد. چه زیباست که پیروان اهل بیت: خصوصاً زائران حضرت اباعبدالله علیه السلام با رفتارهای سنجیده و برخوردی شایسته در شادی و نشاط برادران ایمانی خود سهیم باشند و آسایش و آرامش را به آنان هدیه کنند. هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام نقل می کند که ایشان فرمود: «از محبوب ترین کارها نزد خداوند شاد کردن مؤمن به وسیله برطرف نمودن گرسنگی و رفع گرفتاری و پرداخت بدهکاری اش است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۹۲).

سیره حضرت امام حسین علیه السلام این بود که همواره دل دردمندان و بیچارگان را شاد می کرد و مسلمان و غیر مسلمان نیز برایش یکسان بود. در روایتی آمده است:

روزی امام حسین علیه السلام غلامی را دید که با سگی غذا می خورد. به وی فرمود: «چرا چنین می کنی؟» گفت: «یا بن رسول الله، من غمگینم. می خواهم این سگ را شاد کنم، شاید من هم شاد شوم. غم و اندوه من این است که مالک من شخصی است یهودی و من در نظر دارم از وی جدا شوم». امام حسین علیه السلام مبلغ دوپست اشرفی نزد مالک آن غلام برد. یهودی گفت: این غلام من فدای قدم تو باد و این باغ و بستان را نیز به آن غلام بخشیدم و این مبلغ پول را هم که دادی به شما تقدیم نمودم. امام حسین علیه السلام فرمود: «من نیز این پول را به تو بخشیدم». یهودی گفت: «من هم قبول کردم و این پول را به آن غلام بخشیدم». امام حسین علیه السلام فرمود: «من نیز آن غلام را آزاد کردم و این پول و باغ را به او بخشیدم». زن آن یهودی گفت: «هم اکنون اسلام اختیار نمودم و مهریه ام را به شوهرم بخشیدم». شوهرش گفت: «من نیز مسلمان شدم و این خانه ام را به زنم بخشیدم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۱۹۴).

۷. تواضع

حضرات معصومین: با وجود داشتن شخصیت والا و کم نظیر، بسیار فروتن و متواضع بودند و به شخصیت دیگران احترام می گذاشتند. درباره حضرت امام حسین علیه السلام گفته شده است: ایشان با فقیران و بیچارگان هم غذا می شد و این آیه را تلاوت می کرد: **يٰۤاِنَّهُ لَا يُجِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ** (نحل، ۲۳)؛ «خدا افراد متکبر را دوست ندارد». سپس فقرا را هم به منزل خود دعوت می کرد (همان، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۱۸۹).

موارد یادشده نمونه بسیار اندکی از اخلاق و رفتار آموزنده امام حسین علیه السلام است. پیروان و دوستداران خاندان عصمت و طهارت: که از سیره عملی اهل بیت خصوصاً حضرت امام حسین علیه السلام الهام می گیرند و آن بزرگواران را به عنوان الگوی زندگی خود برگزیده اند، می کوشند در اخلاق فردی، خانوادگی و اجتماعی، زندگی خود را هم رنگ الگوهای خود قرار دهند.

شرکت کنندگان در راهپیمایی اربعین نیز که با هدف زیارت امام حسین علیه السلام و تداوم خط سرخ حسینی در این مراسم شرکت می کنند، جلوه های زیبایی از اخلاق حسینی را به نمایش می گذارند. زائران اربعین حسینی و راهپیمایان، اخلاق و رفتار، بلکه تمام برنامه

های زندگی خود را به گونه ای تنظیم می کنند که در راستای اوامر الهی و سنت پیامبر اسلام ۹ و برآورنده رضایت ائمه اطهار خصوصاً امام حسین علیه السلام باشد. اربعین فرصت خوبی برای ایجاد تحول مثبت در زندگی است. افراد در این پیاده روی فرصت فکر کردن پیدا می کنند تا به وضعیت فعلی و اهداف آینده شان فکر کنند؛ به اینکه چه کارهایی را باید برای پیشرفت در زندگی شان انجام دهند و چه رفتارهایی را باید در تعامل با دیگران خصوصاً خانواده خود حذف یا تقویت کنند. توجه به همین نکات باعث می شود بعد از برگشتن از این سفر، زمینه برای تغییر و تحول معنوی، فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی افراد فراهم شود. بدین جهت پیاده روی برای زیارت امام حسین علیه السلام در ایام اربعین، از جهات متعدد دارای ارزش، فضیلت و نقش مثبت در زندگی انسان است که شاید صرف حضور در حرم و خواندن زیارتنامه، چنین دستاوردی به همراه نداشته باشد.

در ادامه مقاله برخی از دستاوردهای اخلاقی پیاده روی و زیارت امام حسین علیه السلام را از دو بعد فردی و اجتماعی بررسی می کنیم:

دستاوردهای اخلاقی راهپیمایی اربعین

۱. اخلاق فردی

الف) خودسازی و تهذیب نفس

بر پایه روایات، پیاده روی برای زیارت امام حسین علیه السلام پاداش بسیار فوق العاده ای دارد (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۴۳۹). اما لازمه رسیدن به آن ثواب و ارزش های فوق العاده، فراهم بودن شرایط روحی و معنوی است که یکی از مهم ترین آنها خودسازی، صفای باطن و ایستادگی در برابر هواهای نفسانی و ردایب اخلاقی است. همان طور که یاران باوفای حضرت سیدالشهدا علیه السلام، از جاذبه های فریبنده دنیا گذشتند و با وجود اینکه امام حسین علیه السلام بیعت خود را از آنان برداشت و از آنها خواست جان خود را حفظ کنند و از معرکه جنگ بیرون بروند، آنان وفاداری خود را نشان دادند و خویش را فدای مکتب حسین علیه السلام کردند. حضرت عباس علیه السلام دعوت نامه شمر بن ذی الجوشن را رد کرد و اوج وفاداری خود را به امام حسین علیه السلام نشان داد. همچنین وهب، تازه داماد که همراه با نوعروسش در کربلا حضور پیدا کرده بود، جهاد در رکاب فرزند رسول خدا و شهادت در راه دین را به زندگی دنیایی و لحظات شیرین زندگی در کنار همسر ترجیح داد.

زائران اباعبدالله علیه السلام و شرکت کنندگان در راهپیمایی اربعین نیز با این حرکت خود می کوشند در تمام صحنه های زندگی به آن الگوهای اخلاقی و معنوی تأسی بجویند و شیوه زندگی آنان را برگزینند. این زائران، خود را مثل آن رزمندگانی می دانند که پس از بازگشت از نبرد سنگین، پیامبر خدا ۹ به آنان فرمود: «جهاد اکبر هنوز برای شما باقی مانده است» (شیخ صدوق، ۱۳۶۱ش، ص ۱۶۰). بدین جهت می کوشند وجود خود را که به عطر معنویت خوش بو شده است، از همه آلودگی ها و معاصی مصون دارند.

زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام و اولاد و اصحاب شهیدش که جلوه ای از نور خدا و تجسم خلوص، عبودیت و پاکی هستند، زائران را متوجه نقایص خود می کند و راه بازگشت و توبه را برایشان هموار می کند. از این رو پیاده روی برای زیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام، فرصت مناسبی برای بازگشت به اصالت های خویش است؛ دریچه ای به سوی تزکیه و پاکسازی درون از همه آلودگی ها و ردایب و آراستن به فضیلت های اخلاقی و رفتاری.

ب) آرامش روحی و روانی

انسان ها بر حسب تقاضای فطرت به تکیه گاهی مطمئن نیاز دارند (ر.ک: روم، ۳۰) که تعالیم دینی این نیاز فطری را به وسیله توجه دادن انسان به آفریدگار دانا و توانا پاسخ اطمینان بخش داده و برای رسیدن به آن نیز راهنمایی قرار داده است. رفتن به زیارت اولیای الهی در حقیقت گامی برای رسیدن به خداوند است. زیارت حضرات معصومین به هدف دار و جهت دار بودن زندگی انسان کمک می کند و در قلب و روح زائر نوعی اطمینان، آرامش و امیدواری به وجود می آورد. التماس زائر به خداوند در چنین مکان های منوری برای اینکه آن وجودهای مقدس به اذن الهی برایش شفاعت کنند یا این درخواست که خداوند به حرمت آن پاکان، لطف خویش را شامل حال او کند، زائر را به رحمت الهی امیدوارتر می کند و او را از غم های جانکاه، نگرانی های فرساینده و آشفتگی های روانی می رها کند.

شرکت کنندگان در راهپیمایی اربعین حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام از سراسر جهان به احترام خون پاک آن حضرت و مرارت های خاندان مظلومش به سوی کربلا حرکت می کنند. آنان به صراحت ابراز می دارند که وقتی با هدف زیارت مرقد نورانی امام حسین علیه السلام در مسیر راهپیمایی قرار می گیرند، ناخودآگاه احساس سبکی می کنند و به آرامش می رسند. این یکی از نشانه های زدوده شدن گناهان از صفحه قلب است. به فراخور این فرآیند، شاهدیم که زائران از جهت اخلاقی و رفتاری ارتقا می یابند. بنابراین پیاده روی اربعین، زمینه رشد معنوی انسان را فراهم می کند و او را در برابر ناملایمات روزگار و مصائبی که بر او وارد می آید، صبور می سازد. گویا زیارت مرقد شریف امام حسین علیه السلام مرهم دردها و التیام بخش آلام روحی و موجب آرامش قلب انسان است.

ج) عزتمندی و تعالی شخصیت

از منظر قرآن، انسان موجودی باارزش و دارای منزلت رفیع است: **(وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ اسْرَاءَ، ۷۰)**؛ «به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم...». در پرتو این کرامت ذاتی که به عنوان یکی از مبانی تعلیم و تربیت شناخته می شود (جمعی از نویسندگان زیر نظر آیت الله مصباح یزدی، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۸۹)، اولیای الهی همواره انسان را به پاسداری از ارزش های خویش و پرهیز از اموری که ارزش انسان را خدشه دار می کند، توصیه کرده اند (شریف رضی، ۱۳۶۹ ش، حکمت ۴۵۶). امام علی علیه السلام ارزش انسان را موهبتی الهی می داند که در صورت ضایع شدن، جبران آن ممکن نخواهد بود:

وَ أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَبِيْبَةٍ وَ إِن سَأَفْتَكِ إِلَى الرَّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَصَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عِوَضًا... (همان، ۱۳۶۹ ش، نامه (۳۱))

فرزندم.. با گرامی داشتن نفس خود، آن را از هر پستی حفظ کن، هر چند تو را به نعمت های فراوان برساند؛ زیرا در برابر مقداری که از کرامت نفس به خرج می گذاری، عوضی به دست نخواهی آورد.

تاریخ حسین بن علی (ع) نشان می دهد آن بزرگوار در طول حیات نورانی خود، به ویژه در نهضت کربلا، همواره از کرامت انسان سخن گفته، پذیرش حکومت یزید را مساوی با ذلت و خواری شمرده و شأن خود را برتر از آن دانسته است که به چنین خفت و خواری ای تن بدهد. «**هَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ**» سیدالشهدا علیه السلام در طول تاریخ طنین انداز بوده و به شعار هر آزاده ای تبدیل شده و یکی از درس های نهضت خونین کربلاست. امام حسین علیه السلام به عنوان آموزگار حریت و آزادگی، خود را موظف می دانست که مردم خفته آن عصر را بیدار کند و این احساس کرامت را به همه مردم، خصوصاً شیعیان و پیروان خود منتقل کند.

قطعاً حرکت در مسیر امام حسین علیه السلام اعتلای شخصیت و منزلت انسان را به دنبال دارد و پیاده روی اربعین، نوعی ابراز وجود و اعلام موضع در برابر دشمنان، و احیاگر روحیه عزت طلبی و ذلت گریزی است؛ چراکه هرگونه ارتباط قلبی و اعتقادی با آن نورهای پاک،

نوعی احساس کرامت و ارزشمندی برای انسان به ارمغان می آورد. اینکه پیروان و ارادتمندان اهل بیت: در طول تاریخ هرگز زیر بار ذلت نرفته اند، نتیجه درسی است که از مکتب تربیتی اهل بیت خصوصاً سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام گرفته اند.

د) صبر و مقاومت در راه خداوند

صبر در تعالیم اخلاقی، اهمیت ویژه ای دارد؛ به گونه ای که بر پایه روایات، نسبت صبر به ایمان، مانند نسبت سر به بدن است؛ همان گونه که با نبود سر، بدن انسان فاقد حیات می شود، اگر انسان مؤمن از صبر بی بهره باشد، ایمان او نیز فاقد ارزش خواهد بود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۹).

مراسم راهپیمایی اربعین همراه با انواع سختی ها و مرارت ها مانند خستگی جسمانی، تاول زدن پاها، گرفتگی عضلات بدن، آفتاب سوختگی، سرماخوردن و بیماری، بی خوابی و... همراه است که تحمل این مشکلات، نیازمند صبوری و شکیبایی است. بسیاری از شرکت کنندگان در راهپیمایی اربعین، ممکن است در زندگی خود گرفتاری های زیادی داشته و از نظر مالی هم در مضیقه باشند، اما با هزینه شخصی و تنها با انگیزه معنوی قدم در این مسیر دشوار می نهند؛ زیرا معتقدند که حضور در مراسم اربعین، بهترین فرصت برای افزایش توانمندی های روحی و جسمی و تمرین مقابله با مرارت ها و دشواری هاست و انسان را پخته تر، و روحش را زلال تر می کند. (ر.ک: تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش، ص ۳۰۵). آنان معتقدند که رضای الهی و بهشت برین با عافیت طلبی و خوش گذرانی به دست نخواهد آمد. حضرت امام باقر علیه السلام در روایتی فرمود:

الْجَنَّةُ مَخْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرُ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا دَخَلَ الْجَنَّةَ... (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۹).

بهشت با سختی ها و صبر برای آن آمیخته شده است. هرکس [در راه ادای وظیفه و اطاعت پروردگارا] بر تلخی ها و سختی های دنیا صبور باشد، وارد بهشت می شود.

نتیجه اینکه پیاده روی اربعین یک کلاس عملی برای بالا بردن صبر، تحمل و شکیبایی است. مواجه شدن با سختی های مسیر و تحمل کمبود امکانات و خستگی سفر، باعث می شود افرادی که در زندگی همواره در رفاه بوده و امکانات بیشتری داشته اند و طعم سختی را نچشیده اند، نگرشان به زندگی تغییر کند. آنان که مرفه بار آمده اند، گرفتار سستی در اراده و ناپختگی در تصمیم های زندگی می شوند؛ اما بعد از شرکت در این راهپیمایی و دیدن این رنج ها و مرارات ها اعتراف می کنند که بزرگ شده اند و شخصیتشان رشد یافته است.

۲. اخلاق اجتماعی

یکی از ابعاد مهم راهپیمایی اربعین که فرصت بسیار ارزشمندی برای بهره برداری محسوب می شود، جنبه اجتماعی آن است. در این بخش به برخی از دستاوردهای اخلاقی اربعین در بُعد اجتماعی اشاره می گردد:

الف) محبت، همدلی و برادری

یکی از دستاوردهای اجتماعی راهپیمایی اربعین این است که همه شرکت کنندگان با یکدیگر احساس صمیمیت و همدلی و برادری می کنند. در این اجتماع عظیم، دوستداران اهل بیت: از ده ها کشور دنیا و از ملیت های مختلف، با خلوص و عشق، دور هم جمع می شوند تا برای امام خود سوگواری کنند و مرام آن حضرت را نصب العین خود قرار دهند. در پرتو این علاقه مقدس، اجتماعی تشکیل می شود که عالی ترین نوع تعاملات اخلاقی و رفتاری را در آن شاهدیم و می بینیم همه با یکدیگر در نهایت صفا، صمیمیت و محبت، بدون در

نظر گرفتن رنگ و نژاد و مذهب، در یک مسیر و با یک مقصد مشخص که همان مرام امام حسین علیه السلام است، حرکت می کنند. در این حرکت عظیم اجتماعی، رویه عمومی مردم پایبندی به فرهنگ تسامح و مداراست؛ چراکه پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت طاهرین: همواره تلاش می کردند مردم را به عنوان برادران ایمانی به رفتارهای صمیمی وادار کنند و به فضیلت های اخلاقی بیاریند. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که می فرمود:

اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً مُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاحِمِينَ تَزَاوَرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَذَاكَرُوا أَمْرَنَا وَ أُخْيُوهُ (همان، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۵).

تقوا پیشه کنید و برای یکدیگر برادران نیکو باشید. به خاطر خدا یکدیگر را دوست بدارید و با هم پیوند دوستی برقرار کنید و همدیگر را ببینید و درباره امر اهل بیت (فرهنگ و معارف و حقوق اهل بیت): مذاکره کنید و امر ما را زنده کنید.

ب) سخاوت و مهمان نوازی

بر پایه روایات، سخاوت از خصلت های پیامبران و نشانه مؤمن است که خمیرمایه دوستان خدا بر آن سرشته شده است (جعفر بن محمد، ۸، ۱۴۰۰ق، ص ۸۲). این خصلت اجتماعی، موجب تقرب انسان به خداوند و ورود به بهشت می گردد. دارندگان این خصلت، پناهگاه مردم اند و با سخاوت خود، همانند باران که عامل حیات روی زمین است، باعث طراوت زندگی مردم می شوند (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۷۲ و ۷۳). بسیاری از مسلمانان با تأسی به سیره حضرات معصومین: سخاوت را به عنوان یک فضیلت و مصداق اطاعت پروردگار، مورد توجه قرار داده و از دارایی مادی و معنوی خود، هرچند اندک باشد، به دیگران می بخشند (جعفر بن محمد، ۸، ۱۴۰۰ق، ص ۸۳).

در مراسم جهانی اربعین حسینی هم صحنه های زیبایی از مهربانی، صمیمیت، بخشش و سخاوت در عراق، ایران و دیگر مناطق مشاهده می شود. با نزدیک شدن به ایام اربعین، عاشقان و دل باختگان حضرت سیدالشهدا علیه السلام، در عراق و دیگر کشورها اندوخته های مادی خود را برای پذیرایی از زائران اباعبدالله الحسین علیه السلام به موبک های متعددی که در مسیر منتهی به کربلا وجود دارد، می آورند و نیاز های گوناگون زائران را برآورده می کنند تا با این کار، ارادت خود را به حضرت امام حسین علیه السلام ابراز کنند. تکریم زائرین از سوی مردم سخاوتمند عراق بسیار چشم گیر و ستودنی است و هرکس به اندازه وسع و توان خود در پذیرایی از زائران اربعین شرکت دارد؛ به گونه ای که طولانی ترین و بزرگ ترین سفره پذیرایی دنیا را در اربعین می توان دید؛ سفره ای که هر سال از مرز ایران تا کربلا در مدت چند روز گسترده می شود و از بیست الی سی میلیون میهمان پذیرایی می شود و برای صرف غذاها به آنان التماس می کنند. این رویداد در دنیا بی سابقه و بی نظیر است.

چنین حرکتی باعث نهادینه شدن روحیه ایثار و از خودگذشتگی در مردم می شود؛ به طوری که می توان موسم اربعین را بزرگ ترین و پرجمعیت ترین کلاس آموزش سخاوت، گذشت و ایثار نامید.

ج) اتحاد و انسجام اجتماعی

اربعین، بزرگ ترین اجتماع بشری با محوریت فرهنگ اهل بیت: است، مهم ترین ویژگی این حضور خیره کننده جهانی این است که اغلب شرکت کنندگان بر یکدلی می اندیشند و وحدت و یکپارچگی مسلمانان را مرهمی برای آلام منطقه می دانند. وحدت مسلمانان بر محور تعالیم نورانی اسلام و قرآن و عترت: موضوعی است که خدای متعال در قرآن، و اولیای الهی در سخنان خود همواره مردم را بدان سفارش کرده اند.

در راهپیمایی اربعین، هر سال بیش از بیست میلیون نفر با محوریت اسلام و امام حسین علیه السلام در یک سو به حرکت در می آیند، همه به یک هدف می اندیشند و یک نقطه مشترک دارند و این عامل مهمی برای شکل گیری و تداوم اتحاد میان مسلمانان است و نشان می دهد مکتب اهل بیت: در ایجاد اتحاد میان مردم و ثبات بخشی به آن بسیار قدرتمند است. باید پیروان همه مذاهب که محبت خاندان پیامبر و رعایت حرمتشان را وظیفه خود می دانند، از این فرصت برای نزدیک شدن افکار و سلايق به یکدیگر بهره ببرند و در مسیر وحدت بیشتر مسلمانان بکوشند و روز به روز بر اقتدار و عظمت خود بیفزایند.

د) عدالت طلبی و ظلم ستیزی

بر اساس بیان قرآن، مستکبران برای تحکیم پایه های قدرت خود همواره میان مردم اختلاف می انداختند تا بدین وسیله، نیروی متراکم و عظیم آنان را تضعیف، و آنها را گرفتار خفت و خواری کنند و به پذیرش سلطه ظالمانه خود مجبور سازند. (ر.ک: قصص، ۴).

رهبران الهی دقیقاً همین موضوع را نوک پیکان حملات خود به قدرت های استکباری قرار می دهند و می کوشند مردم را از ظلم پذیری و زندگی ذلت بار نجات دهند و آنان را به عزت برسانند.

امام حسین علیه السلام از پذیرش حکومت یزید سر باز زد؛ اما نه از روی تکبر، بلکه به استناد سخن جد بزرگوارش (ص) که آن را مساوی با نابودی شریعت محمدی می دانست و حکومت را بر آل ابوسفیان حرام اعلام کرد: «خِلَافَةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى آلِ سُفْيَانَ» «ابن نما حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۵؛ ابن طاووس، بی تا، ص ۲۴).

بنابراین در مرام حسین بن علی ۸ ستم پذیری و فرومایگی هرگز جایی ندارد. مرام حسین، عدالت خواهی و ظلم ستیزی است. آن حضرت فرمود:

هان ای مردم، ای عصرها و نسل ها، به هوش باشید که این فرومایه، فرزند فرومایه، اینک مرا میان دو راه و دو انتخاب قرار داده است: بر سر دو راهی ذلت پذیری و تسلیم خفت بار در برابر فرومایگان و بیدادگران حاکم، یا مرگ پرافتخار و باعزت و سرفرازی، و چقدر دور است از ما که ذلت و خواری را برگزینیم. خدا و پیامبر او و ایمان آوردگان و دامان های پاک و غیرتمند و جان های ستم ستیز و باشرافت نمی پذیرند که ما فرمانبرداری فرومایگان و استبدادگران پست را بر شهادت مقدم بداریم (ابن نما حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۵۵؛ ابن شعبه، ۱۴۰۴ق/۱۳۶۳ش، ص ۲۴۱).

حضور عاشقانه مردم در راهپیمایی اربعین، به معنای لبیک به ندای امام حسین علیه السلام و تأسی به آن حضرت، در آزادگی و عدالت خواهی و ظلم ستیزی و پاسخ به ندای «هل من ناصر» حسینی است؛ چراکه نهضت عاشورا جریانی فرازمانی و فرامکانی و برای همه بشریت در تمام زمان هاست.

نتیجه گیری

سیره عملی و زندگی پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت: سرمشق زندگی دوستداران، خصوصاً شیعیان و پیروان راستین آنان است. پیامبر اسلام ۹ برای عملی کردن مکارم اخلاق مبعوث شد و ائمه اطهار: زیباترین صحنه های اخلاق کریمانه را با تواضع، حلم و بردباری، گذشت و ایثار، برآوردن حواجی دردمندان و خدمت به بندگان خدا، اجرای عدالت و مبارزه با ظلم و فساد و... به منصف ظهور رساندند و عالی ترین شیوه اخلاقی را به شیعیان خود آموختند. رهروان و دوستداران اهل بیت خصوصاً امام حسین علیه السلام نیز در راهپیمایی اربعین، با آراستن خود به تقوا و تهذیب نفس، و ایستادگی در برابر دشمن درون و بیرون، جلوه های بی نظیری از اخلاق و رفتار کریمانه



را به نمایش می گذارند. آنان با آگاهی کامل از نقشه های تفرقه افکنانه دشمنان، خود را برادر همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی می دانند و تبلیغات بیگانگان را به هیچ می انگارند. آنان عزت را در خط سرخ حسین علیه السلام جست و جو می کنند و بر رشد روحی و فکری، مادی و معنوی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان و استقلال همه جانبه پافشاری می کنند. بدین جهت، راهپیمایی اربعین را می توان خیزش توفنده امتی دانست که توطئه ها را خنثا، صفوف مسلمان را به هم فشرده تر، و دل ها را به هم نزدیک تر می کند.

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ابن طاووس، علی بن موسی (بی تا). اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه احمد فهری زنجانی، تهران، نشر جهان.
- الاقبال بالاعمال الحسنه فیما يعمل مره فی السنه، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
- ابن نما، جعفر بن محمد (۱۴۰۶ق). مشیر الأحزان، تحقیق و تصحیح مدرسه امام مهدی، قم، نشر مدرسه امام مهدی.
- ابو مخنف، لوط بن یحیی (۱۴۱۷ق). وقعۀ الطف، تحقیق و تصحیح محمدهادی یوسفی غروی، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ش). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق و تصحیح مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات.
- جعفر بن محمد، امام ششم (۱۴۰۰ق). مصباح الشریعۀ، منسوب به امام ششم علیه السلام، بیروت، اعلمی.
- جمعی از نویسندگان زیر نظر آیت الله مصباح یزدی (۱۳۹۰ش). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه).
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه، تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البيت، قم، نشر مؤسسه آل البيت.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد، تحقیق مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
- خلیل بن أحمد، فراهیدی (۱۴۱۴ق). العین (ترتیب کتاب العین)، تحقیق محمدحسن بکائی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۶۹ش). نهج البلاغه، تحقیق: محمدکاظم محمدی و محمد دشتی، قم، منشورات الإمام علی علیه السلام، چاپ دوم.
- شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۳۶۱ش). معانی الأخبار، تحقیق علی أكبر الغفاری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). مصباح المتهدد و سلاح المتعبد، تصحیح اسماعیل انصاری زنجانی، اعداد علی اصغر مروارید، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه.
- تهذیب الأحکام، تحقیق حسن الموسوی خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). کتاب المزار- مناسک المزار، تحقیق محمدباقر الأبطحی، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۷۹ش). چشم اندازی به تحریفات عاشورا (لؤلؤ و مرجان)، تحقیق مصطفی درایتی، قم، انتشارات احمد مطهری، چاپ اول.